

سعید جلیلی در اجتماع پر شور هواداران خود در مصلاي تهران:

# نداشتن برنامه افتخار نیست



عکس: فرود نظامی/ایر

## تیترهای امروز

حمایت صریح خانواده شهید رئیسی  
از سعید جلیلی

## جلیلی ادامه‌دهنده رئیس‌است

گروه‌های مقاومت: اسرائیل به لبنان حمله کند  
پاسخ آن را خواهیم داد

## اخطار به متجاوز

گزارش «وطن امروز» از احتمال اجرای سیاست‌های  
ضدنهضت مسکن ملی توسط پزشکیان

## علیه فقرا

بایدن در واکنش به شکستش در مناظره با ترامپ:  
موقع مناظره خواب بودم

## اعتراف خوابالو!

سطح انتقادات از سلامت جسمی و ذهنی  
بایدن افزایش یافته است

با وجود تهدید فدراسیون فوتبال، باز هم تیم‌های  
مدعی ریخت و پاش می‌کنند

## سقف شکافتنی

۲۸۲  
ضمیمه طنز  
راه

مناظرات انتخاباتی ملوکانه

## انتخاب با شماست

مردم به مثابه توده، کمپین جایگزین کارنامه

## درک بنیادین اصلاح‌طلبان از مردم چگونه است؟

مدنی، یعنی دقیقاً همان محور اصلی مناقشات انتخاباتی از ابتدا تاکنون اما با این تفاوت که قرار نیست در این زمینه حرف ایجابی بزنیم، یعنی بگوییم با توجه به سابقه ناموفق ما در برجام و خروج یکطرفه آمریکا از آن، چگونه می‌خواهیم تحریم را رفع کنیم. فقط کافی است جریان مقابل را به عنوان مقصر در وضع و تلاطم تحریم‌ها معرفی کنیم. یا درباره حجاب قرار نیست بگوییم با وجود نهادهای تقنینی و سیاست‌گذار حجاب در بیرون از قوه مجریه، چگونه می‌خواهیم حجاب را آزاد کنیم! فقط کافی است جریان مقابل را طالبان معرفی کنیم. جریان اصلاحات تحریم را در ذهن مردم به عنوان مهم‌ترین عامل کوچک شدن سفره‌شان جدا نداشتند و موضوع آزادی‌های اجتماعی را به عنوان مزیت خودش و نقطه ضعف جریان مخالف مطرح کرده تا به این واسطه بتوانند نتایج مدیریت نادرست و سیاست‌های غلط اقتصادی خود در بورس، کنترل تورم، ایجاد رکود، رشد بیکاری، کاهش ارزش ریال و... را به آن حواله دهد.

پژوهشگر مطالعات اجتماعی

نشان که در این دوره نماینده جریان اصلاحات اساساً بدون هیچ طرح و برنامه مشخص و سابقه درخشان اصلاحات به جای ارائه گفتار جدید و کارآمد از خود، تقریباً درباره تمام موضوعات مهم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یا به بیان کلیات و لزوم اجرای سیاست‌های مقام معظم رهبری اکتفا می‌کند یا با این توجیه که «من کارشناس نیستم»، مردم را به کارشناسان ارجاع می‌دهد. حال باید پرسید: چرا ایشان در دور اول از رقبای با برنامه و دارای کارنامه خود آرای بالاتری کسب کرد؟ پاسخ این سوال با ارجاع به تجربه انتخابات ۹۶ کاملاً روشن خواهد شد. ستاد انتخاباتی دکتر پزشکیان دقیقاً همان ستادی است که تجربه موفق فریب مردم در سال ۹۶ را در کارنامه خود دارد. ستاد انتخاباتی دکتر روحانی رئیس‌جمهور بسیار محبوب (!) کشورمان در دوران طلایی دهه ۹۰ دقیقاً با همان راهبرد گذشته، امسال هم وارد کارزار انتخابات شده و مجدداً ۲ محور اصلی را در دستور کار خود دارد: تحریم و آزادی‌های

اما از همان ایام بود که رقابت‌های انتخاباتی ماهیت متفاوتی با گذشته پیدا کرد و جریان شکست‌خورده اصلاحات به جای ارائه گفتار جدید و کارآمد از خود، به «هریمن‌سازی» از رقیب و ایجاد هراس اجتماعی نسبت به او رو آورد. در یک جمله می‌توان گفت اگر تا قبل از دهه ۹۰ تلاش رقیب معطوف به ایجاد «قبیل مردمی» نسبت به گفتار خود بود، پس از آن جریان اصلاحات راهبرد انتخاباتی خود را بر گسترش «فقرت عمومی» نسبت به رقیب متمرکز کرد. رسانه ملی نیز در این میان با ایجاد سازوکار «مناظرهای سرپایی» به این فضا ضربه بیشتری دلد نمود. در چنین فضایی این جریان دیگر نیاز به تدوین برنامه و طرح مدون درباره آینده اقتصادی و سیاسی کشور احساس نمی‌کرد و صرفاً بر ایجاد «کمپین» متمرکز شد. لذا از همان دوران کم‌کم کارشناسان رسانه‌ای و فعالان تویتری جای کارشناسان اقتصاد را در ستادهای انتخاباتی اصلاح‌طلبان گرفتند. امروز نیز صحنه رقابت‌های چنین مختصاتی است. نشان به آن

انتخابات را «طرح و برنامه جدید» رقم می‌زد و بسج عمومی حول «گفتارهای ایجابی» شکل می‌گرفت. گفتار توسعه و سازندگی در دهه ۶۰، گفتار آزادی و توسعه سیاسی در دهه ۷۰ و گفتار عدالت در دهه ۸۰، همگی طرح جدیدی از مناسبات اقتصادی و سیاسی ایران پیش رو ارائه می‌کردند، اگرچه متضمن رویکردهای انتقادی به گذشته خود نیز بودند. اما رقابت‌های انتخاباتی از دهه ۹۰ وارد فاز جدیدی شد. تجربه نسبتاً موفق دولت نهم در تحقق عدالت اجتماعی که منجر به جابه‌جایی مرزهای خدمت‌رسانی به کشور شد و اقبال توده‌های مردم را به همراه داشت، شانس و امکان بازگشت جریان مقابل را به قدرت بسیار محدود کرده بود و باعث شکست قاطع آنها در انتخابات ۸۸ شد. این اتفاق جریان اصلاحات را به این نتیجه رساند که برای بازگشت به قدرت باید رویکرد سنگین‌اندازی و تخریب رقیب را در دستور کار قرار دهد. توضیح این رویکرد در صحنه‌های سیاسی و اقتصادی آن ایام بماند برای مجالی دیگر.

**نگاه**  
**ابوالفضل اقبالی:** دپروز در یک گروه تلگرامی بحثی درباره برنامه دکتر پزشکیان برای مدیریت کشور شد و یکی از حامیان ایشان (که از اصلاح‌طلبان پروپاقرص است) جمله‌ای گفت که به نظرم بنیان دوم خرداد و جریان اصلاحات بر چنین درکی از مردم استوار است. مضمون جمله این بود: توده‌های مردم برنامه سرشان نمی‌شود! این جمله باعث شد من این یادداشت را بنویسم و درباره استراتژی جریان اصلاحات در رقابت‌های انتخاباتی سال‌های اخیر توضیح دهم. صحنه رقابت‌های انتخاباتی در کشور ما غالباً معطوف به ۲ مسأله مهم بوده است: معیشت و آزادی‌های مدنی. زیرا این ۲ موضوع در نقطه کانونی نظام مسائل مردم قرار داشته و دارند. رفتار انتخاباتی مردم در تمام ادوار تابعی از وعده‌های معیشتی یا افق‌گشایی‌های مدنی‌گانه بوده است. در برخی ادوار دغدغه‌های مدنی پررنگ‌تر شده و در دوره‌هایی مطالبات اقتصادی. تا قبل از دهه ۹۰ همواره نتیجه

## رای پاک، رأی ناپاک

و طرف مقابل خود را خارج از جبهه انقلاب بشمرند، سخنی قابل دفاع نیست. بر این پایه، یکی از معیارهای داوری درباره ۲ نامزد همین است که ببینیم آنها تا چه اندازه با وجود احتمال خطا در طرف مقابل از منتهم ساختن آنها به خروج از دایره ارزش‌های دینی و انقلابی پرهیز می‌کنند. ۲- «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ... (اعراف/۹۶) اگر مردمان آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پروا داشتند، برکتی از آسمان و زمین بر آنها می‌گشودیم... برکت دادن به مفهوم بازدهی بیش از حد متعارف یا کارکردی فراتر از حد انتظار یکی از مهم‌ترین آموزه‌های دینی است که در دنیای پیشامدرن با زندگی مردم در هم آمیخته بود و اکنون به نظر می‌رسد یکی از بیگانه‌ترین مفاهیم حتی بین‌دینداران است. در منابع دینی ما، رفتارهایی مانند ایمان همراه با عمل صالح (آیه ۹۶ سوره مبارکه اعراف) یا عدالت‌ورزی (باعدل) متضاد البرکات) مایه برکت و برابری آن رفتارهایی با آموزه‌های دینی است. هیچ‌یک از ۲ نامزد راه‌یافته به دور دوم انتخابات و جبهه پشتیبان آنها، خیر مطلق نیست و هیچ‌کدام هم شر مطلق نیست، هر دو ممکن است خطاهایی داشته باشند؛ حال اگر یک جریان به نام دین و به بهانه این خطاها خود را خیر مطلق و طرف مقابل خود را شر مطلق بداند بر خلاف آموزه‌های دینی رفتار کرده است. به همین ترتیب این تلقی که عداوی خود را جبهه انقلاب به صورت مطلق بداند

رفتاری که ما آن انقلابی نمی‌دانیم یا حتی به دلیل از تکلیف یک خطا از دایره انقلابی بودن بیرون گذاشته شود. وقتی درباره ایمان که بنیادی‌ترین معیار سنجش و ارزیابی انسان‌هاست قرآن می‌فرماید به دشمنی که در میدان جنگ اظهار اسلام کرد نگویید مومن نیستی (نساء/۹۴)، به طریق اولی در سلب ارزش‌هایی مانند انقلابی بودن از کسانی که خود را در جبهه انقلاب می‌دانند و پیشینه آنها هم گواه این ادعاست، باید احتیاط کرد. خودحق‌پنداری به‌گونه‌ای که خود را حق مطلق و جانب دیگر را شر مطلق بدانیم، آشکارا برخلاف آموزه‌های دینی است. همان‌گونه که بافتن یک خطا یا کاستی موهوم یا واقعی در طرف مقابل و آن را پنهانی برای بیرون نهلان او از دایره ارزش‌ها قرار دادن ناسازگار با آموزه‌های دینی است. هیچ‌یک از ۲ نامزد راه‌یافته به دور دوم انتخابات و جبهه پشتیبان آنها، خیر مطلق نیست و هیچ‌کدام هم شر مطلق نیست، هر دو ممکن است خطاهایی داشته باشند؛ حال اگر یک جریان به نام دین و به بهانه این خطاها خود را خیر مطلق و طرف مقابل خود را شر مطلق بداند بر خلاف آموزه‌های دینی رفتار کرده است. به همین ترتیب این تلقی که عداوی خود را جبهه انقلاب به صورت مطلق بداند

**دیدگاه**  
**محسن الویری:** ۱- اَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات/۱۰) بر پایه آموزه‌های دینی مومن بودن و در جبهه حق بودن به مفهوم بری بودن از هر اشتباه و خطا نیست و چه بسا یازند کسانی که به عنوان یک مسلمان پیرو مکتب‌اهل‌بیت‌علیهم‌السلام مرتکب خطاها یا گناهانی کوچک و بزرگ از عرصه شناخت تا رفتار می‌شوند. نصیحت، خیرخواهی نسبت به یکدیگر، کمک فکری، تبیین، موعظه، ارشاد و مانند آن که جایگاهی بلند در آموزه‌های اخلاقی اسلامی دارد، همگی بر این پیش‌فرض استوار است که چه بسا یک مومن معتقد هم دچار اشتباه شود لذا نیازمند راهنمایی و خیرخواهی و مانند آن است. پیش‌فرض آیه شریفه دهم سوره مبارکه حجرات هم که مخاطبان خود را به آشتی دادن برادران دینی فرامی‌خواند همین است که چه بسا ۲ برادر یا ۲ جریان که هر دو موصوف به ایمان هستند، هر دو با یکی از آن دو، سخن یا رفتار نادرستی داشته بود که موجب روابط گرم با ریاض به عنوان کشتن یکدیگر (حجرات/۹) در جامعه دینی شود. یعنی حتی خطاهایی تا این اندازه بزرگ هم موجب بیرون رانده شدن از دایره ایمان نیست. از یاد نبریم که مومن دور از هر خطا و کاستی در عرصه شناخت و رفتار، امام معصوم علیه‌السلام است. همین تحلیل دربارۀ ارزش‌های ثانویه مانند انقلابی بودن صدق می‌کند. اینگونه نیست که فرد یا جریانی صرفاً به دلیل

## نکته

### خطر عقبگرد

**امیرطه نادی:** سیاست خارجی و نحوه ارتباط با کشورهای جهان، با روی کار آمدن دولت‌های مختلف در ایران، همیشه ضدخوش‌تغییرات شده است. اگر چه در ساختار جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی یک امر فرادولتی و در واقع حاکمیتی است و راهبردهای آن توسط رهبر بزرگوار انقلاب تعیین می‌شود اما نحوه اجرای این سیاست‌ها و پیشبرد اهداف و برنامه‌های آن در هر دولت متفاوت بوده است. در طول ۸ سال دولت‌های یازدهم و دوازدهم، برجام و نگاه به غرب مهم‌ترین نقطه تمرکز دولتمردان آقای روحانی محسوب می‌شد که راه چاره نجات اقتصاد ایران را در برداشتن تحریم‌ها می‌دیدند و رفع تحریم‌ها را هم به مذاکره با کشورهای بزرگ غرب به سرمدمداری آمریکا به عنوان کدخدای گره زده بودند. این مسأله یعنی چین همه تخم مرغ‌ها در سبد برجام، فارغ از همه جنبه‌های منفی و احیاناً مثبتی که داشت و بارها درباره آن صحبت شده است، دولت روحانی را از وجوه مختلف در سیاست خارجی غافل کرد که از جمله آنها نگاه به شرق و البته تمرکز بر افزایش همکاری و ارتقای روابط با همسایگان و کشورهای منطقه بود. با روی کار آمدن دولت سیزدهم، اگر چه این دولت و در راس سیاست خارجی آن شهید امیرعبداللهیان تمام سعی خود را برای ادامه مذاکرات و به اصطلاح نقد کردن چک برجام به کار گرفت اما سیاست اصلی بر احیا و افزایش روابط با همسایگان و استفاده از ظرفیت کشورهای قدرتمند شرق نظیر روسیه و چین بود که تضاد منافع کمتری نسبت به غرب با ایران دارند. دستاوردهای بزرگ مختلفی نظیر عضویت در پیمان‌های شانگهای و بریکس از جمله مصادیق نگاه درست این دولت در عرصه بین‌المللی بود و تمرکز بر کشورهای منطقه بویژه همسایگان نیز فرصت‌های زیاد دیگری را برای کشورمان فراهم کرد. احیای روابط با عربستان و دولت آقای روحانی و به دلیل بی‌تدبیری دولتمردان وقت قطع شد، با همین نگاه انجام شد و همه می‌دانیم روابط گرم با ریاض به عنوان بزرگ‌تر برخی دیگر از کشورهای عربی، می‌تواند بر آنها نیز اثر مثبت بگذارد. باز شدن یخ روابط میان ایران و مصر هم از دیگر مصادیق نگاه درست در امر سیاست خارجی در دولت سیزدهم بود. در مسأله نگاه به شرق نیز دولت شهید رئیسی کار خود را با یک اقدام بزرگ آغاز کرد و آن وارد کردن میلیون‌ها دوز واکسن کرونا از چین بود، آن هم زمانی که روزانه ۷۰۰۰ نفر از هموطنان مان به دلیل این بیماری جان می‌سپردند و واکسن کرونا یکی از فوری‌ترین نیازهای کشور محسوب می‌شد که با مدیریت شخص شهید رئیسی و پیگیری از کشور چین حل شد.